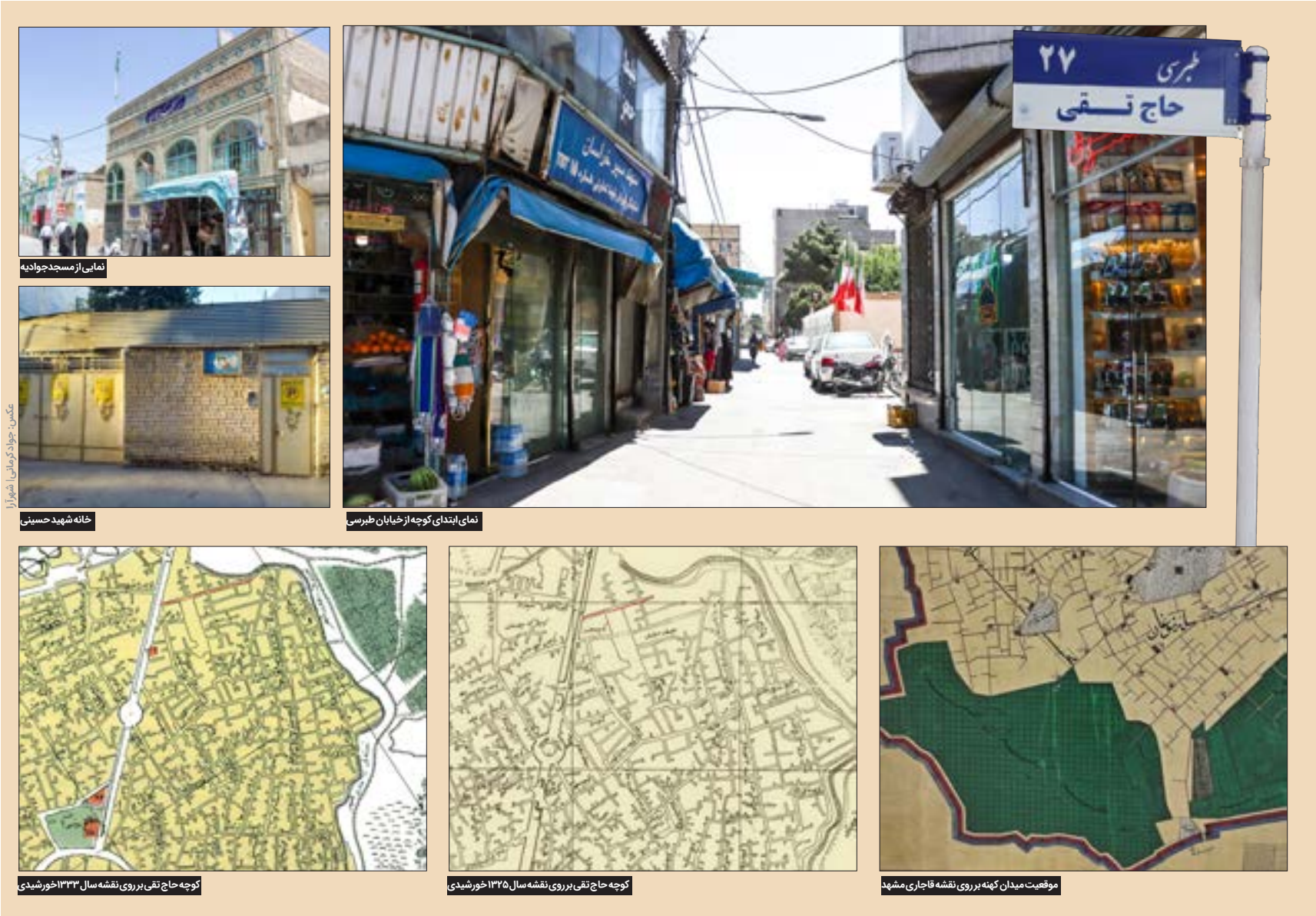


فرعی طبرسی ۲۷ تنها کوچه مشهد است که از ابتدا با نام «حاج تقی» تابلو خورده است

روایت یک شاهزاده فراری در مشهد ۱۰۰ سال پیش



رضا سلیمان نوری اراضی پشت برج ویاروی شهر که محل کشت وکار اهالی بود. پس از توسعه مشهد در ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی به مرور به کوچه و محله تبدیل شد. البته این اراضی در ابتدا، محل استقرار صنایع کوچک بود و در ادامه کاربری مسکونی پیدا کرد. همین مسئله هم سبب شد در مشهد یک محله پانصد ساله با یک محله صدساله مجاور و پهلوه به پهلوی هم قرار گیرند که کوچه «حاج تقی (حاج تقی مستعلی)، یکی از این کوچه‌های پدیدآمده پس از فروریختن بارو و حصار شهر است.

- کوچه «حاج‌تقی» و اسامی آن در طول تاریخ

کوچه «حاج تقی» از معدود کوچه‌های شهر است که در زمان پیدایش تانکون به همین یک نام خاص مشهور بوده است. این نام که به احترام اولین مالک و ساکن آن بر این کوچه گذاشته شد. آن چنان مقبول قدیمی‌های مشهد بود که هیچ‌گاه تغییر نکرد؛ البته ناگفته نماند که در دهه ۸۰ قرن گذشته، شورای وقت شهر تصمیم گرفت که نام نخستین شهید کوچه را روی تابلوی ورودی آن نصب کند و کوچه به «شهید سید جواد حسینی الارزی» تغییر نام داد؛ اما اندکی بعد به خواست اهالی محل و خود خانواده شهید، نام «سید جواد حسینی الارزی» از روی کوچه برداشته شد و نام «حاج تقی» دوباره به آن برگشت.

نام شهید «حسینی» نیز روی فرعی شماره ۳ کوچه که در مجاورت منزل پدری شهید واقع است، قرار می‌گیرد. البته در سال‌های اخیر شهرداری برای حفظ نظم و کمک به شناسایی راحت‌تر کوچه توسط زائران، بر تابلوی ورودی آن علاوه بر نام «حاج تقی»، عنوان طبرسی ۲۷ را هم ثبت کرده است. در این بین بد نیست بیان شود نخستین فرعی کوچه هم که در قدیم به دلیل وجود حمام عمومی «گلزار» در آن، به نام کوچه «گلزار» شناخته می‌شد. پس از تخریب حمام، به نام دیگر شهید کوچه، یعنی «جواد معینی قالیبافان» تغییر نام می‌دهد. همچنین بر تابلوی ورودی یگانه فرعی غربی این کوچه که به خیابان طبرسی می‌پیوندد نیز علاوه بر نام این شهید، عنوان طبرسی ۲۹ حک شده است.

● کوچه «حاج تقی» تا پایان دوره قاجار اسناد و اطلاعات موجود از وضعیت شهر مشهد در دوران پیش از مشروطه می‌گویند که محدوده کوچه «حاج تقی» در دوره قاجار مسکونی نبوده است. هرچند ثبت عنوان محوطه «میدان کهنه» بر بخش سبزبگ شمال غربی مشهد که گرفتار در برج ویاروی شاه طهماسبی بوده است. این شائبه را به وجود می‌آورد که روزگاری این محدوده مسکونی بوده است؛ اما محدوده موردنظر (اراضی میدان کهنه) که کوچه «حاج تقی» هم بخشی جنوبی آن را شامل می‌شود، در سال‌های قبل از مشروطه باغ‌راه‌هایی بوده که به پایین خیابان و کوچه نوغان ختم می‌شده است. این وضعیت در سال‌های پایانی حکومت قاجارها بر ایران با سکونت «آقابزرگ» و «حاج تقی» در این محدوده تغییر وضعیت می‌دهد و مسکونی می‌شود. اسناد می‌گویند که «آقابزرگ» و «حاج تقی» که دو برادر و از شاهزادگان قاجاری ساکن در سمنان بودند، به دلیل اختلاف با پدرشان از آن شهر فرار می‌کنند و همراه تنها خواهرشان به مشهد می‌آیند و در این حدود ساکن می‌شوند. آن‌ها با سرمایه‌ای که با خود آورده بودند، بخشی از زمین‌ها و باغات محوطه «میدان کهنه» مشرف به کوچه نوغان را خریداری می‌کنند. در ادامه هم «آقابزرگ» درانتهای کوچه (در محدوده دبیرستان «حاج تقی» «آقابزرگ کنونی» و «حاج تقی» در ابتدای کوچه‌ای که اکنون به نام وی مشهور است، خانه‌باغ‌هایی برای خود می‌سازند و در آن سکنا می‌گیرند.»

● کوچه «حاج تقی» در دوران پهلوی‌ها

روند گسترش و توسعه کوچه «حاج تقی» در دهه‌های نخست پس از ایجاد، یعنی دوسه دهه

اول قرن ۱۴ خورشیدی با فروش اراضی شخصی «حاج تقی» توسط همسرش برای امرارمعاش و البته کمک به نیازمندان بسیاری که به خانه او مراجعه می‌کردند، ادامه پیدا می‌کند. مقایسه دو نقشه ترسیم‌شده از مشهد در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۳۳ به خوبی این رشد و گسترش را نمایان می‌کند. تنها در فاصله‌ای هشت‌ساله وسعت این دو کوچه تقریباً ۷/۵ برابر شده و تعداد فرعی‌های شمالی و جنوبی آن نیز افزایش پیدا کرده است.

- کوچه «حاج تقی» پس از انقلاب

شرایط کوچه «حاج تقی» در سال‌های نخست پس از انقلاب تا آغاز اجرای طرح نوسازی و بهسازی اطراف حرم مطهر رضوی تغییر خاصی نسبت به سال‌های قبل از آن نداشته است. پس از اجرای این طرح است که شرایط کوچه به یک باره تغییر می‌کند، آن چنان که نه تنها از یک کوچه بن‌بست به یک معبر عمومی دارای ارتباط با سایر معابر تبدیل می‌شود، بلکه شرایط زندگی هم در آن دستخوش تغییراتی عمده می‌شود. درواقع قبل از اجرای این طرح، کوچه «حاج تقی» یکی از مسکونی‌ترین فرعی‌های خیابان طبرسی محسوب می‌شد و اغلب پلاک‌های آن در اختیار مجاوران مشهدی بود و کمتر بنایی را می‌توانستیم در آن پیداکنیم که مورد استفاده زائران قرار بگیرد، اما اجرای طرح بهسازی بافت فرسوده اطراف حرم مطهر، شرایط را به‌طورکامل دگرگون کرد. در وضعیت فعلی، اگر از برخی فرعی‌های کوچه «گلزار» یا همان «حاج تقی» شماره ۲ صرف‌نظر کنیم، در کل کوچه تعداد پلاک‌هایی که مشهدی‌ها در آن ساکن هستند، به تعداد انگشتان یک‌دست هم نمی‌رسد و همه به مکان‌های اقامتی برای زائران تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر بسیاری از پلاک‌های این کوچه در جریان اجرای طرح نوسازی تخریب و جای آن‌ها را مجموعه‌های بلندمرتبه اقامتی مرتبط با شهرهای مختلف کشور، خاصه مناطق شمالی و البته عرب‌نشین کشور، گرفته‌اند. درست به همین دلیل یگانه خانه کوچه را که هنوز بوی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را می‌دهد و ساکن دارد، در انتهای آخرین فرعی کوچه «گلزار» مشاهده می‌کنیم. البته در جریان همین تغییرات ضمن بازشدن مسیر انتهایی کوچه و مرتبط شدن آن با کوچه راد، تنها فضای



آموزشی کنونی آن، یعنی مدرسه «شاهدطاها» هم احداث شده است. همچنین کوچه «گلزار» هم از بن‌بست خارج شده و در محدوده بخش انتهایی حمام «گلزار» سابق به خیابان طبرسی متصل شده است. سرانجام اینکه به‌رغم همه این تغییرات بخش نخست کوچه که زمانی تأمین‌کننده مایحتاج عمومی ساکنان مشهدی کوچه بود، حالت بازاری خود را از دست نداده است و تنها فروشندگان آن به جای اجناس موردنظر مشهدی‌ها، به ارائه اقلام مطلوب زائران روی آورده‌اند.

- چهره‌های شاخص کوچه «حاج تقی»

از «حاج تقی مستعلی»، بنیان‌گذار سمنانی کوچه، که بگذریم، می‌توانیم چند خانواده را نام ببریم که بیش از هفتاد سال در این کوچه سکونت داشته‌اند. خاندان «خیرخواه»، یکی از این خانواده‌ها محسوب می‌شود که هرچند طی سال‌های اخیر اغلب اعضای آن از این محله کوچ کرده‌اند، اما هنوز یکی از آنان در تنها مغازه گل‌دوزی کوچه، مشغول فعالیت است. خانواده «میرزا حسین حسینی نجات» هم درگذشته بزرگ‌خاندان هنوز ردپایی از این خانواده در کوچه «گلزار» دیده می‌شود؛ همچنین باید از خانواده‌های «خداداد حسینی»، «غلامرضا تاجور»، «صنعتی»، «سجادی»، «شفیعی» و «بنایی» به عنوان دیگر ساکنان قدیمی این کوچه یادکرد که تا پیش از اجرای طرح نوسازی هرکدام چند پلاک کوچه را در اختیار داشتند. دو خانواده «صبایغان» و «سبحان منش» هم دیگر ساکنان این محله بوده‌اند که در جریان طرح نوسازی به نقاط دیگر شهر نقل مکان کرده‌اند. «امیری» و «پاینده» هم از دیگر خاندان‌هایی هستند که هرکدام دوره‌ای در این کوچه سکونت داشته‌اند. همچنین باید از خانواده شهیدان «سید جواد حسینی الارزی» و «جواد معینی قالیبافان» یاد کرد که پس از گذشت سال‌ها از شهادت فرزندانشان به ترتیب در میانه کوچه اصلی و در فرعی آخر کوچه «گلزار» سکونت و یاد شهیدانشان را این‌گونه زنده نگه داشته‌اند. سرانجام باید از تنها لوازم‌منزل فروشی کوچه، یعنی آقای «هزیر»، یاد کرد که از حدود هفتاد سال قبل در این کوچه مشغول فعالیت است.



به مناسبت پنجاهمین سالروز درگذشت بنیان‌گذار انجمن نایبانیان ایران

دانشمند روشندل



فرخدا تا هجده ماهگی رنگ‌ها را تجربه کرده است. شاید مادرش پیراهن گل دار آخرایی رنگی تن می‌کرده، مادر بزرگش روسری سپیدی به سر داشته و پدرش را از روی رنگ قهوه‌ای کش می‌شناخته است، اما قطعاً آسمان نشسته روی بام خانه‌شان لاچوردی بوده و شمعدان‌های کنار باشویه حوض هم رنگین‌کمانی از سرخ و سفید و صورتی بوده‌اند. این رنگ‌ها را اما تا آمده است از یک‌دیگر تمیز دهد و نام هرکدام را یاد بگیرد، آبله دنیایش را سیاه کرده و تاریکی مثل یک چاه عمیق و بی‌پایان سرنوشتش را بلعیده است.

این چشم‌های آبله‌زده را روزگار روی صورت «محمد خزانلی» کشیده است؛ محمد خزانلی، متولد ۱۲۹۳ خورشیدی در کرهروداراک، نایبانی مطلق که پدرش در پنج‌سالگی او را در مدرسه مخصوص نایبانیان تهران ثبت‌نام می‌کند تا مگر سرنوشت پسرش به مدد سوادآموزی تغییر پیدا کند. این‌گونه هم می‌شود و محمد می‌تواند به مدد پشتکار فراوان، درس را تا دیپلم ادبیات ادامه دهد. او در ادامه به کمک حافظه نیرومندش به سرعت پیشرفت می‌کند و موفق به اخذ دو درجه لیسانس و دکتری در رشته‌های حقوق، حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران می‌شود. چندی بعد هم کتاب «مسئولیت مدنی» را به عنوان رساله دکتری خود در رشته حقوق می‌نویسد که هنوز جزو رساله‌های جاودان در این رشته محسوب می‌شود. اما خزانلی قرار نیست تنها یک درس‌خوانده رشته حقوق باشد و کاری برای دیگر نایبانیان انجام ندهد. درواقع خزانلی نخستین فردی است که «انجمن هدایت و حمایت نایبانیان ایران» و سپس «آموزشگاه نایبانیان بزرگ‌سال» را تأسیس می‌کند و یک لحظه از تلاش در عرصه تعلیم و تربیت نایبانیان غافل نمی‌ماند. خزانلی همچنین در سال ۱۳۴۸ خورشیدی «مجله روشندل» را هم برای اشاعه اخبار مربوط به نایبانیان ایران و جهان منتشر می‌کند و از مؤسسات نایبانیان کشورهای سیلان، هندوستان، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، عربستان سعودی، جمهوری دمکراتیک آلمان، روسیه و اسپانیا با هدف گسترش فعالیت‌های نایبانیان ایران بازیدمی‌کند. او همچنین مدتی به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب می‌شود. اما پس از آن، مدتی از فعالیت‌های سیاسی کناره می‌گیرد و خودش را وقف انجام امور فرهنگی می‌کند.

- خزانلی در گذر روزها

خزانلی بعد از پایان تحصیلات، به عنوان معلم در شهرستان‌های گلیاگان و اراک به تدریس پرداخت. نحوه تدریس وی در درس هندسه چنان بود که تعجب و تحسین وزیر فرهنگ وقت را برانگیخت و موجب اعطای مدال درجه اول علمی به وی شد. خزانلی سپس یک واحد بزرگ فرهنگی را که در آن درس‌های متوسطه و دانشگاه تدریس می‌شد، تأسیس کرد. اقدام خزانلی در تأسیس چنین مؤسسه فرهنگی غنی و عطیمی، خدمت باارزشی به فرهنگ کشور کرد، به‌گونه‌ای که هزاران جوان، تحصیلات خود را در آن مؤسسه به پایان بردند. او نه تنها در راه نشر فرهنگ و معارف ایران تلاش کرد، بلکه در راه بهزیستی و بهسازی جامعه نایبانیان ایران نیز خدمات ارزنده‌ای انجام داد. درواقع خزانلی بیشتر عمر خود را صرف خدمت به بهبود وضعیت نایبانیان در ایران کرد که تأسیس چندمرکز آموزشی برای نایبانیان و تألیف چند محله و کتاب برای آن‌ها، تنها بخشی از این خدمات به‌شمار می‌رود. البته خدمات وی تنها به ایران محدود نشد، بلکه خزانلی در جهت رفاه نایبانیان در سطح جهانی نیز فعالیت‌های چشمگیری داشت و از اعضای کمیته اجرایی خاورمیانه در شورای ملی رفاه نایبانیان و اتحادیه بین‌المللی نایبانیان بود.

این چهره علاوه بر اینکه به آموزش بنیادها و نهادهای ادبی خدمتی بسزا کرد، آثار بی‌ظفری از خود بر جای گذاشت. تألیفات او درباره اعلام و احکام قرآن، حکمت‌منشاء، منطق، فلسفه شرق منطق نظری و عملی از جمله منابع و مأخذ تحقیقات قرآنی، فلسفی و منطقی به شمار می‌آیند.

- توسعه‌دهنده آموزش و ترویج «بریل»

ناگفته نماند که این محقق نامدار از بریل استفاده نکرد؛ اما اهمیت خاصی برای بریل قائل بود و با تأسیس آموزشگاه بزرگ‌سالان نابینا، یکی از فعالیت‌های مهم خود را به آموزش بریل به نایبانیان بزرگ‌سال اختصاص داد. به همین دلیل می‌توان او را زمینه‌ساز و توسعه‌دهنده آموزش و ترویج بریل میان بزرگ‌سالان نابینا دانست. از آنجاکه تا آن زمان یک نظام آموزشی مدون و فراگیر و البته نهادمند برای افراد نابینا، به‌ویژه در تهران وجود نداشت، بسیاری از نابینایان با گذراز دوران تحصیلی متعارف خود و با گذشتن به دوران جوانی و بزرگ‌سالی هنوز آموزش‌های مقدماتی و سواد خواندن و نوشتن را نیاموخته بودند؛ از این‌رو انگشت گذاشتن بر تحصیل این افراد و در ضمن آن، آموزش بریل به آن‌ها نقش مهمی در باسوادشدن نایبانیان، رشد سطح تحصیلی و حیات فرهنگی آن‌ها و البته ترویج بریل داشت. از طرف دیگر از آنجاکه آموزش بریل به بزرگ‌سالان در قیاس با آموزش کودکان دارای دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاصی است. اتخاذ چنین تصمیمی و تلاش در گسترش آن در قالب آموزشگاه خزانلی اهمیت این موضوع را به شکل دوچندانی آشکار می‌سازد.

یکی دیگر از اقدامات اثرگذار خزانلی در زمینه بریل که نشان‌دهنده توجه ویژه او به این خط و ضرورت استفاده از آن بوده است، تلاش و پیگیری‌های فراوان برای ورود اولین ماشین چاپ بریل به ایران و راه اندازی آن است؛ رخدادی که فصل‌نوینی را در حیات آموزشی و فرهنگی نایبانیان و توسعه و نهادمندشدن بریل ایجاد کرد. در این راستا خزانلی با توجه به نفوذ و ارتباطات گسترده خود، مدیر وقت انتشارات کیهان را به اهمیت بریل در زندگی و تحصیل نایبانیان و نبود امکان تولید کتاب‌های بریل در کشور واقف و متقاعد کرد که یک ماشین چاپ بریل بخرد و به ایران وارد کند. این دانشمند روشندل سرانجام در ۲۱ خرداد ۱۳۵۳ خورشیدی در حالی‌که تنها ۶۲ سال داشت، دیده از جهان فروبست و در بهشت زهرا^(س) به خاک سپرده شد.

بیات| ساختار اقلیمی ایران و گرایش غالب ساکنان روستاها به کشاورزی باعث شده است توسعه آن همواره مورد توجه خاص دولتمردان قرار گیرد، به همین دلیل در دوره مشروطه نیز به کشاورزی و اهمیت تأسیس بانکی که به‌طور تخصصی به حمایت از کشاورزی و صنایع وابسته به آن بپردازد، توجه ویژه‌ای می‌شود. از همان ابتدا، پیگیری‌های بسیاری برای تأسیس چنین بانکی صورت می‌گیرد، اما نهایتاً دو دهه بعد، در ۹ شهریور ۱۳۰۹ خورشیدی است که مجلس شورای ملی قانون «اجازه تأسیس بانک فلاحتی» را تصویب می‌کند تا بانک ملی با سرمایه ۵ میلیون قران، شعبه مخصوص و مستقلی برای قرض‌دادن به ارباب فلاح ت به اسم شعبه فلاحتی تأسیس کند.

این شعبه هیچ قرضی نمی‌دهد مگر برای «دایر کردن مجاری آبی که در مناطق مختلف دچار خشکی شده‌اند یا یازده آبی کمی دارند»، یا برای «توسعه زراعت و کشت محصولاتی مانند چای،

تاریخچه شکل‌گیری نخستین بانک تخصصی ایران

«بانک فلاحتی و صنعتی ایران»

پنجه، نیل، حنا، روناس و غیره». کارمزد دریافتی این قرض‌ها نیز ۴ درصد و در برخی موارد خاص تا ۶ درصد تعیین می‌شود. پیرو ماده ۳ این قانون و با توسعه شعبه فلاحتی مجلس شورای ملی در ۲۱ خرداد ۱۳۱۲ اجازه تأسیس «بانک فلاحتی و صنعتی ایران» با سرمایه اولیه دومیلیون تومانی را به دولت می‌دهد. برای تأمین بخشی از سرمایه این بانک، همه دارایی منقول و غیرمنقول «بانک ایران» به بانک فلاحتی و صنعتی می‌رسد. بانک ایران همان بانک استقرارضی روسیه است که پس از روی کار آمدن نظام کمونیستی در روسیه، به مالکیت دولت ایران واگذار شده است.

«بانک فلاحتی و صنعتی ایران» که نخستین بانک

سند
نوشت



تأسیس شعبه فلاحتی بانک ملی به منظور گسترش امور کشاورزی کشور ۹/۱۳۰ خورشیدی

اسناد و اطلاعات برگرفته از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران